

خوانش مهم ترین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در دو سال اول حضور در حبشه

سید حسین شفیعی دارابی^۱

فرهاد پورکیوان^۲

چکیده

شواهد معتبر تاریخی گویای این حقیقت است که جعفر بن ابیطالب (ع) در دو سال اول حضور در حبشه، با اقدامات - فرهنگی کارآمد خویش، توانست به موفقیت‌های چشمگیری دست یابد؛ کسب این پیروزیها، حاکی از اینست که انجام اینگونه از فعالیت‌ها در جهت تبلیغ از دین، هم زمینه ساز رشد و ترقی فردی و اجتماعی است، و هم موجب گسترش جغرافیای سیاسی فرهنگی و اجتماعی اسلام خواهد شد. قطعاً بازخوانی کارکردهای پیروزمندانه این الگوی موفق از صدر اسلام، برای برون رفت مسلمانان عصر حاضر از کمندهای فرهنگی معاندان اسلام نیز، سودمند خواهد بود؛ بدین جهت، این تحقیق که به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای تدوین یافته؛ در پی پاسخ به این پرسش است که: مهمترین اقدامات فرهنگی جعفر طیار در طول دو سال اول حضور در حبشه، چه بوده و چگونه تحلیل می‌شود؟ مهم‌ترین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در دو سال اول حضور در حبشه، و تحلیل آنها چیست؟ بر اساس یافته‌های نوشته‌ی پیش روی، جناب ذو جناحین در این مقطع خاص از حیات پرثمرش، با بهره‌گیری مناسب از شیوه‌های متنوع؛ به تبلیغ از آموزه‌های قرآنی پرداخت، و اقدامات فرهنگی نیکی را بر جای نهاد، و در حوزه‌های مختلف دینی، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافت؛ شواهد معتبر حاکی از این است که تمامی تلاشهای این پرنده بهشتی، برآمده از خصلت ارجمند تکلیف‌مداری، ولایت‌پذیری، و سوز عملی او نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده است؛ ضمناً، تحقق اموری همچون: خشنودی و اظهار رضایت نبی اکرم (ص) از عملکرد نیک این شهید والامقام در مدت حضورش در حبشه، اسلام آوردن نجاشی پس از آگاه شدن از درستی مفاد آیات قرآنی تلاوت شده توسط جعفر طیار (ع)، خنثی شدن نقشه‌های شوم فرستاده کفار قریش به حبشه، گرایش جمعی از کشیشان و دیگر مسیحیون این سرزمین به مذهب اسلام، و ... می‌تواند گواه صادقی بر سودمندی اقدامات فرهنگی او بوده باشد.

واژگان کلیدی: خوانش، اقدامات فرهنگی، جعفر بن ابیطالب (ع)، هجرت، حبشه.

^۱ - مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکترای تفسیر و علوم قرآنی، هیئت علمی و استادیار جامعه المصطفی (ص)، مدیر گروه تفسیر و علوم قرآنی جامعه الزهراء (س).

syedhosein_shafieidarabi@miu.ac.ir

ORCID:0000-0002-3172-3725

^۲ - سطح ۴ فقه و اصول، گروه فقه و اصول، دانشکده عالی دارالشفاء، حوزه علمیه قم، ایران. farhad_pourkyvan@miu.ac.ir

Orcid: 0000-0002-5672-1830

مفاد روشن آیه شریفه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»^۳ و دیگر آیات قرآنی همخوان با آن^۴؛ و نیز مضمون حدیث نبوی «یا عَلِيُّ، لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلِيَّ يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ»^۵ و دهها روایت مشابه آن؛ حاکی از اینست که اقدام فرهنگی مفید در عرصه تبلیغ دینی، از ابتدای رسالت رسول اکرم (ص)، مورد توجه آن بزرگوار بوده است؛ منتهی در طول سه سال اول بعثت، به صورت پنهانی به این امر مهم می‌پرداخت^۶؛ اما با نزول آیه «إنذار»^۷، بادعوت از خویشاوندان^۸ و با نزول آیه ۹۴ از سوره حجر، با فراخواندن سایر اقشار، بصورت آشکار به تبلیغ از دین اسلام پرداخت؛ از آن پس، تمام مردم پیرامون این اقدام آن حضرت صحبت می‌نمودند و اخبار آن به خارج از مکه نیز سرایت نمود.^۹ اما از سال چهارم بعثت کفار برخورد فیزیکی، شکنجه، و حتی قتل تازه مسلمانان؛ و مقابله همه جانبه با دین را شروع نمودند^{۱۰}

رسول خدا (ص) با مشاهده این اقدامات هنجار شکنانه کفار قریش، خطاب به مسلمانان فرمودند: «... به سرزمین حبشه سفر کنید ... آنجا سرزمین دوستی و پاکی است و شماها می‌توانید در آن سرزمین به سر ببرید تا خدا فرجی برای شما پیش آورد»^{۱۱}؛ در پی صدور این سخن، زمینه برای هجرت مسلمانان به حبشه فراهم آمد.

بر اساس نقل مشهور، این هجرت، در دو مرحله صورت پذیرفت: هجرت اول به رهبری «عثمان بن مظعون» بود^{۱۲} و هجرت دوم به سرپرستی جعفر بن ابی طالب (ع) رخ داد^{۱۳} فرضیه تحقیق مبتنی بر این است که حضرت جعفر طیار (ع)، در طول دو سال اول حضور در حبشه، اقدامات فرهنگی دینی متنوعی را انجام دادند؛ البته همه آنها می‌توانند معلول توجه این صحابه بزرگ نبوی به اهمیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام؛ و برآمده از باور وی به ولایت نبی مکرم (ص) بوده باشد. بی تردید، آگاهی از مصادیق و کیفیت اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در بازه زمانی دو سال اول حضورش در حبشه، می‌تواند زمینه را برای الگوگیری از آن بزرگوار در جهت شناسائی تهاجم (بلکه شبیخون) فرهنگی در دوره کنونی، و شیوه مطلوب درمان آنها و کیفیت درست مواجهه و مقابله با آنها را برای ما فراهم آورد.

۳. جمعه/ آیه ۲: «اوست که در میان مردم بی سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد...».

۴. از قبیل: احزاب/ آیه ۳۹، فصلت/ آیه ۳۳، آل عمران/ آیه ۱۰۴ و ۱۱۰، و مائده/ آیه ۳۲.

۵. «ای علی! اگر خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، از آنچه خورشید بر آن تابیده برای تو بهتر است» (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ۳/۶۹۱/۶۵۳۷).

۶. ابن اثیر، عز الدین، الکامل فی التاریخ، ۱/۴۸۶؛ تاریخ طبری ۶۱/۲

۷. شعراء/ آیه ۲۱۴

۸. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۶۴؛ ابن اسحاق، محمد، السیره النبویه، ص ۱۴۷

۹. ابن هشام حمیری، عبدالملک، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰

۱۰. نک: سام دلیری، کاظم، بررسی جامعه شناختی عدم گسترش اسلام در مکه و شکوفا شدن آن در مدینه، ص ۸۴ و ۸۵؛ دو فصلنامه علوم

اجتماعی سال نهم، شماره پاییز و زمستان، ۱۳۹۱ش

۱۱. هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۷۸؛ ابن هشام، سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۳۴۹

۱۲. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۲۳

۱۳. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، السیر و المعاری، ص ۲۱۳

دست یابی به اهدافی همچون: ابهام زدایی، رفع خلاء معرفتی نسبت به کارکرد فرهنگی جعفر بن ابیطالب (ع) در دوسال اول حضورش در حبشه، ارائه نگاشته ای مستقل در این حوزه خاص، ساماندهی اطلاعات و جبران کمبودها و کاستیهای معرفتی مربوطه، که تاکنون باقیود ملحوظ در عنوان تحقیق، مورد توجه محققین نبوده است؛ ضرورت روی آوری به پژوهش حاضر را می‌رساند. ضمناً روش مورد استفاده در انجام این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است، و به دیده هدف بنیادی و کاربردی صورت پذیرفته؛ و در پی پاسخ به این پرسش است که: مهمترین اقدامات فرهنگی جعفر طیار در طول دوسال اول حضورش در حبشه، چه بوده و چگونه تحلیل می‌شود؟

۲) پیشینه تحقیق

۲/۱) نگاشته های غیر مستقل دانشوران مسلمان پیشین

جمع چشمگیری از مورخان مسلمان و محدثان و مفسران فریقین در گذشته؛ در خلال نگاشته‌های متنوع خود، به تبیین شخصیت والای جعفر بن ابیطالب (ع) و کارکردهای نیک او؛ بویژه اقدامات فرهنگی او در طول دوسال اول حضورش در حبشه پرداخته‌اند؛ از باب نمونه؛ به ذکر نام برخی از این نگاشته‌ها بسنده می‌شود:

الف) ابن هشام، عبد الملک (متوفی: ۲۱۸ یا ۲۱۳ هـ)، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۲ و ص ۳۲۳؛

ب) ابن سعد کاتب واقدی، محمد (۱۶۸-۲۳۰ ق)، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۳۴ - ۳۵؛

ج) طبری، ابو جعفر محمد بن جریر (۲۱۸-۳۰۱ ق)، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۸ و ۳۲۱.

د) اصفهانی، ابو الفرج علی بن حسین بن محمد (۲۸۴-۳۵۶ ق)، مقاتل الطالبیین، ص ۶، ۲۵ و ص ۳۴؛

ه) ابن عبد البر، أبو عمر یوسف بن عبد الله (متوفی: ۴۶۳ هـ)، الاستیعاب فی معرفه الأصباح، ج ۱، ص ۲۴۵ و...؛

و) ابن فندق البیهقی، أبو الحسن ظهیر الدین علی بن زید (متوفی: ۵۶۵ هـ) تحقیق سید مهدی رجائی، لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، ج ۱، ص ۳۹۷ و...؛

ز) ابن عنبه، سید جمال الدین احمد بن علی بن حسین حسنی حسینی (۷۴۸-۸۲۸ ق) (مورخ و نسب شناس شیعی)، عمده الطالِب فی أنساب آلِ أبی طالب، ج ۱، ص ۳۶ و...؛

ح) ابن حجر عسقلانی کنانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد بن علی بن محمد الکنانی (۷۷۳-۸۵۲ ق)، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۲۳۹ و ۲۴۰؛

ط) مجلسی، محمد باقر (متوفای ۱۱۱۱ ق)، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۴۱۰ - ۴۲۲؛

ی) قمی، شیخ عباس (۱۲۹۴-۱۳۵۹ هـ ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ج ۱، ص ۵۹۲ - ۵۹۶،

ک) امین، سید محسن (درگذشته ۱۳۷۱ ق)، أعیان الشیعه، تحقیق: سید حسن امین، ج ۴، ص ۱۱۹ - ۱۲۷

۲/۲) نگاشته های مستقل محققان معاصر

در دهه های اخیر نیز، تعدادی از پژوهشگران، در قالب نگاشته های خود، به تبیین شخصیت جعفر بن ابیطالب (ع) و کارکردهای نیکش در مقطع تاریخی هجرت به حبشه و غیره پرداخته‌اند؛ از جمله:

الف) کتاب‌ها

- «جعفر طیار»، نوشته سید کمال (به زبان فرانسه)، ترجمه نثار احمد زین پوری، انتشارات صدر، ۱۳۱۷ق. در این کتاب به جریان اسلام آوردن جعفر بن ابی طالب، هجرت مسلمانان به حبشه و نقش رهبری جناب جعفر در این سفر پرداخته است. نویسنده هنر سخنوری جناب جعفر را در تأثیر بر نجاشی پادشاه حبشه و اسلام آوردن او و حمایت وی از مسلمانان مهاجر عامل مهمی دانسته است.
- «پرنده بهشتی: نگاهی به زندگانی حضرت جعفر بن ابی طالب (ع)، (جعفر طیار)»، نوشته عباس تفکری آرائی و هادی آصفی، نشر منیر، ۱۳۹۲ ش. این کتاب شامل شرح احوال و زندگی «جعفر بن ابی طالب» از جمله معرفی نیاکان و خانواده وی، ماجرای مهاجرت به حبشه و جنگ موته و سپس فضایل ایشان می‌باشد.
- «جعفر طیار (ع): مردی که اگر می‌بود...»، نوشته محمدمهدی معماریان، نشر بیت الاحزان، ۱۳۹۷ ش. در این کتاب ابتدا به تاریخچه خانوادگی جناب جعفر پرداخته شده و سپس برهه‌های مختلف زندگی ایشان از دوران نوجوانی و جوانی، گرویدن به اسلام، هجرت به حبشه و جنگ موته از حیث تاریخی بیان شده و در ادامه فضایل ایشان در آیات قرآن و روایت شیعی مورد توجه قرار گرفته و در بخش پایانی کتاب دیدگاه روایات اهل سنت در مورد ایشان مطرح شده است.
- «دوستان پیامبر (ص) و علی (ع): جعفر طیار»، نوشته مجید ملامحمدی، انتشارات جمکران، سال ۱۴۰۲ ش. این کتاب از سری کتاب‌های ۱۴ جلدی دوستان پیامبر (ص) و علی (ع) و معرفی ایشان در رده سنی کودک و نوجوان می‌باشد.

ب) مقالات

- در دهه های اخیر، جمعی از محققان به نگارش و تدوین مقالات در جهت تبیین شخصیت «جعفر بن ابیطالب» (ع) و کارکردهای نیک این شهید والامقام و خاندان وی پرداخته اند؛ از باب نمونه، به ذکر پاره ای از آنها بسنده می شود:
- حاج امینی، حمید، جعفر بن ابی طالب (از شهدای صدر اسلام)، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۹، صفحات ۶۲۱ الی ۶۳۵؛ قم، دفتر تبلیغات اسلامی، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن؛ ۱۳۸۲ش.
 - ده پهلوانی، طلعت، جعفر بن ابی طالب (ع)، فرهنگ نامه تاریخ زندگانی پیامبر اعظم (ص)، ج ۱، ۱۳۹۱، قم، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، شرکت چاپ و نشر بین الملل، اول؛
 - سلطانی، روح الله، بررسی فضایل جناب جعفر بن ابی طالب علیه السلام، نشریه خلق، آذر تا اسفند ۱۳۹۶ شماره ۶۲-۶۳

- اسوه های فرماندهی، شماره ۳، جعفر طیار، نوشته محمد خطیبی کوشکک، مجله حصون، ۱۳۹۰ ش. نویسنده در این مقاله به اختصار، زندگی‌نامه جعفر طیار را با عناوینی چون اسلام جعفر، منزلت جعفر، امیر کاروان هجرت، فرمانده نبرد موته بیان کرده است.
 - لقبی که پیامبر(ص) به جعفر طیار داد، سایت مشرق نیوز؛ تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲. در این مقاله که به مناسبت به آتش کشیده شدن آرامگاه «جعفر بن ابی طالب» توسط فرقه وهابیت نوشته شده به وقایع مهم زندگانی جعفر طیار مانند پذیرش اسلام از سوی جعفر (ع)، هجرت به حبشه و اسلام آوردن نجاشی توسط جناب جعفر، نبرد موته و شهادت جعفر طیار و خصوصیات اخلاقی وی مانند توجه ویژه او به فقرا پرداخته است.
- در بررسی صورت پذیرفته نسبت به محتوای منابع ذکر شده، مشخص گردید که در هیچیک از آن‌ها، قیود ملحوظ در عنوان تحقیق حاضر [اقدامات فرهنگی؛ در دوسال اول حضور در حبشه، و...]، مورد توجه محققین نبوده است؛ از این جهت، پژوهش حاضر اقدامی نو و بدیع محسوب می‌شود.

۳) مفهوم شناسی

۳/۱) مفهوم «خوانش»

برخی از دانشوران لغوی فارسی نگار؛ در مقام بیان معنی واژه «خوانش»، تعابیر متنوعی همچون: قرائت، برداشت، استنباط، درک. تأویل، و تفسیر را ذکر کرده اند^{۱۴}؛ مقصود نویسندگان از این تعبیر در این نگاشته؛ عبارت است از: «خواندن همراه با تحلیل».

۳/۲) مفهوم «تکلیف مداری»

طبق گفته ارباب لغت، واژه تکلیف مأخوذ از «کلفت»؛ یعنی، زحمت و مشقت است.^{۱۵} و در اصطلاح، اوامر، نواهی شرعی و الزامات قانونی را تکلیف گویند.^{۱۶}

به نظر می‌رسد ترکیب واژه تکلیف با واژه «مدار»، مترادف با تکلیف محوری و تکلیف‌گرایی، در حیطه‌ی تکلیف بوده باشد

۳/۳) مفهوم «فرهنگی»

واژه «فرهنگی»، منسوب به «فرهنگ» می‌باشد. برخی از محققان در جهت تبیین معنی این کلمه، چنین آورده اند: «فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء "فر" و "هنگ" است. "فر" به معنای شکوه و عظمت و اگر به عنوان پیشوند به کار رود به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. "هنگ" از ریشه اوستایی سنگ به معنای کشیدن، سنگینی و وقار است. واژه مرکب "فرهنگ" به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن و برکشیدن است

^{۱۴} انوری حسن، اخپانی جمیله، فرهنگ بزرگ سخن، مدخل «خوانش» ج ۴، ص ۲۸۵۸

^{۱۵} ابن اثیر، النهایة فی غریب الحدیث الاثر، ج ۴، ص ۱۹۶؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۳۰۷

^{۱۶} ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول؛ ج ۱، ص ۲۵۵؛ ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ص ۱۵۷.

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متنوع است، و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است؛ از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند، و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی.^{۱۷}

یکی از پژوهشگران در حوزه «ادبیات»؛ پس از طرح این پرسش: «فرهنگ و فرهنگی چه تفاوتی دارند؟»؛ اینگونه پاسخ داده است: «در واژه فرهنگی، «ی» نسبت است که بنابر آن «فرهنگی» موجودی مستقل است که به فرهنگ منسوب شده است. در نتیجه باید فرهنگ به عنوان یک مفهوم اولیه و پیشینی شناخته شده باشد تا بتوان با ایجاد نسبت میان شیء با فرهنگ به آن ماهیت جدیدی تحت عنوان شیء فرهنگی داد. پس فرهنگ، مفهوم مبنا و فرهنگی مفهوم تابع است».^{۱۸}

به نظر می‌رسد مفهوم فرهنگ با تعریف ارائه شده عام است و فعالیت‌های غیر دینی را نیز در بر می‌گیرد، اما در پژوهش حاضر مراد نویسندگان از فرهنگ، به مفهوم عقیده، برداشت و تلقی انسان مومن به ارزش‌ها و باورهای اسلامی (تحصیل شده از قرآن، سنت) و نیز تبلیغ ارزشها و باورهای دینی است.

۳/۴ مفهوم «هجرت»

راغب اصفهانی گوید: «هجرت» از ماده «هجر» به معنای «ترک» و «جدایی» است؛ و «مهاجرت در اصل به معنای بریدن از دیگری و ترک وی است».^{۱۹} در آیات قرآن کریم نیز، کاربرد واژگان مأخوذ از ماده «هجر» در معنی «ترک» و «دوری جستن»، در آیه ۱۰ سوره مزمل و ۳۴ نساء مشاهده می‌شود.

۳/۵ مفهوم «حبشه»

واژه «حبشه»، نام سرزمینی کهن در مشرق قاره آفریقا است که مشتمل بر کشورهای کنونی: اتیوپی، اریتره، جیبوتی و سومالی می‌باشد. در حال حاضر بزرگ‌ترین بخش آن، کشور اتیوپی را تشکیل می‌دهد. همچنین «حبشه» به معنای جماعتی است که از قبیله واحدی نیستند؛ و از آنجا که ملت حبشه از قبایل واحدی نبودند، به آنها «احابیش» اطلاق می‌شده است.^{۲۰}

۴ شخصیت شناسی جعفر بن ابی طالب (علیه السلام)

«جعفر طیار» مشهور به «ذوالجناحین»، سومین فرزند ابوطالب (ع) و فاطمه بنت اسد (س) بود. تولد جعفر را بیست سال پیش از بعثت پیامبر (ص) در طایفه بنی‌هاشم از قبیله قریش دانسته‌اند. او سومین فرزند ابوطالب (ع) پس از طالب و عقیل و قبل از علی (ع) بود. طبق برخی اقوال، فاصله بین هر کدام از برادران ده سال بوده است.^{۲۱}

۱۷- صاحبی، محمدجواد، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)، ج ۱، ص ۶۰

۱۸- منصوری، سیدامیر، گردشگری فرهنگ، با تکیه بر تفاوت مفهومی «فرهنگ» و «فرهنگی»، مجله گردشگری فرهنگ،

(۱)، ۸-۵ / تابستان ۱۳۹۹

۱۹- المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۳۶؛ ونیز دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ذیل واژه هجرت

۲۰- فروخ، عمر، تاریخ جاهلیه، ص ۱۴۷

۲۱- اصفهانی، ابو الفرج، علی بن حسین بن محمد، مقاتل الطالبیین، ۱۳۸۵ق، ص ۳، ابن سعد، محمد، طبقات کبری، ج ۴، ص ۳۴

طبق نقل مورخان، وی دومین مردی بود که بلافاصله پس از برادرش علی (ع) به پیامبر (ص) ایمان آورد و مسلمان شد.^{۲۲}؛ باور برخی از دانشوران مسلمان این است که: آیات: ۲۳ سوره احزاب^{۲۳}، ۳۹ حج^{۲۴}، ۱۰ زمر^{۲۵} و چندین آیه قرآنی دیگر در شان والای جعفر بن ابیطالب (ع) و تمجید از کارکردهای وی نازل شده اند. در متون حدیثی نیز شاهد نقل روایاتی متنوع در جهت تعظیم از جعفر بن ابیطالب (ع) هستیم؛ از باب نمونه: (۱) امام باقر (ع) فرمود: «خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی کرد که من از جعفر بن ابی طالب به خاطر چهار صفت قدردانی می کنم. پیغمبر صلی الله علیه و آله جعفر را خواست و موضوع را به ایشان خبر داد. جعفر عرض کرد: اگر خداوند به شما وحی نمی کرد، من هم اظهار نمی کردم. یا رسول الله! من هرگز شراب نوشیدم، زیرا می دانستم که اگر بنوشم عقلم نابود می شود. و هرگز دروغ نگفتم، زیرا دروغ خلاف مروت و ضد کمال انسان است. و هرگز زنا نکرده ام، زیرا ترسیدم با ناموسم همان عمل انجام بشود. و هرگز بت نپرستیدم، زیرا می دانستم که بت پرستی منفعتی ندارد. رسول خدا دست مبارکش را بر شانه وی زد و فرمود: «سزاوار است که خداوند به تودو بال مرحمت کند، تادربهشت پرواز کنی».^{۲۶}

(۲) رسول اکرم (ص) نیز در تجلیل از جعفر بن ابی طالب (ع) فرمود: «مردم از درخت های مختلف خلق شده اند؛ اما من و جعفر مانند یک درخت هستیم و از یک گل آفریده شدیم».^{۲۷} پس از فتح خیبر و مراجعت جعفر (ع) از حبشه به مدینه، رسول اکرم (ص) در جمادی الاول سال هشتم هجری، وی را به عنوان فرمانده اول سپاه به موهه فرستاد تا با سپاهیان روم شرقی بجنگند.^{۲۸} جعفر بن ابیطالب (ع) در جنگ موهه در جمادی الاولی سال هشتم هجری به شهادت رسید.^{۲۹} ابوالفرج اصفهانی، از جعفر بن ابی طالب (ع) به عنوان اولین شهید از فرزندان ابوطالب در اسلام یاد نموده است.^{۳۰}

۵) دو خاستگاه بنیادین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع)

با تتبع در مفاد برخی از آیات، روایات و متون تاریخی، مشخص می شود که خاستگاه مجموعه اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع)، متکی بر دورکن اساسی بوده است:

الف) ولایت پذیری محض نسبت به نبی مکرم (ص)؛ این مساله را می توان از گفتار نبی مکرم اسلام (ص) به هنگام توصیه مسلمانان برای هجرت به حبشه^{۳۱} و امثال آن از سوی حضرت جعفر طیار (ع) استنباط نمود. البته پاسخ مثبت دادن به این توصیه نبوی، از نوع عمل به واجب کفایی آن بوده است، زیرا عدم هجرت باقی

^{۲۲}- ابن اثیر، علی، اسد الغابه، ج ۱، ص ۲۸۷، ونیز ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ۵۹۲، ابن سعد، طبقات کبری، ج ۴، ص ۳۴

^{۲۳}- قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۸۸

^{۲۴}- قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۸۴ / مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۷۸.

^{۲۵}- بغوی، ج ۴، ص ۸۱؛ قرطبی، تفسیر القرطبی، ج ۱۶، ص ۲۴۰.

^{۲۶}- صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴ ص ۳۹۷؛ همو، علل الشرایع، ج ۲ ص ۵۵۸؛ همو، الأمالی، ج ۱ ص ۷۴؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۹

^{۲۷}- اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۳۸۵ق، ص ۳۴؛ مغربی، شرح الاخبار، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۰۵؛ و نیز: مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۲۷۶.

امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۵

^{۲۸}- طوسی، امالی طوسی، ص ۱۴۱؛ اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۶

^{۲۹}- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۸

^{۳۰}- اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۳؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۲۶؛ ابن عبدالبر، احمد، الاستیعاب، ج ۱،

ص ۲۴۵؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۷

^{۳۱} هاشمی خویی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۵، ص ۲۷۸

مسلمین، مورد عتاب نبی مکرم (ص) قرار نگرفت؛ و نیز می‌توان گفت: هجرت جمعی از مسلمانان به حبشه، ضرورت داشته زیرا جدا از فراهم آمدن زمینه برای تخلص آنان از شکنجه کفار^{۳۲}؛ انتشار اسلام در خارج از مکه نیز، امری ضروری تلقی می‌شده؛ از سوی دیگر نیز لازم بوده که برخی از باورمندان به اسلام، در مکه حضور داشته باشند تا جبهه رزمندگان اسلام در مقابله با کفار، بی‌یاور نشود.

ب) تکلیف مداری نسبت به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جهت تبلیغ از دین اسلام در حبشه.

۶) نمونه هائی از مهمترین اقدامات فرهنگی جعفر بن ابی طالب (ع) در دو سال اول حضور در حبشه کارکردهای نیک جعفر بن ابیطالب (ع) در طول دو سال اول حضورش در حبشه، گویای این حقیقت است که این شهید والا مقام، با بهره‌وری از شیوه‌های متنوع، موفق به انجام اقدامات فرهنگی متعددی شده است؛ در ادامه این نوشته، به بازخوانی مهم‌ترین آنها بسنده می‌شود:

۶/۱) محاجه و به چالش کشاندن فرستاده قریش (= عمرو عاص)

کفار قریش پس از مطلع شدن از مهاجرت جمعی از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب (ع) به حبشه؛ «عمروبن عاص» و «عُمَارَةُ بْنُ الْوَلِيدِ» را همراه با هدایائی به نزد پادشاه حبشه (نجاشی) فرستادند تا وی را راضی کنند که مسلمانان مهاجر را به مکه باز گرداند و آنان را به کفار قریش تحویل دهد.

عمرو عاص در ملاقات با نجاشی گفت: «ای پادشاه ما فرستاده بزرگان مکه‌ایم. عده‌ای از قوم ما، از دین و آیین خود برگشته و خدایان ما را دشنام می‌دهند. از شما می‌خواهیم که آنها را به ما بسپاری تا به محل خود بازگردانیم.»

نجاشی کسی را فرستاد و جعفر (ع) را به حضور طلبید. در جلسه‌ای که جمعی از دانشمندان مسیحی، نمایندگان قریش و آن حضرت به نمایندگی مسلمانان حضور داشتند، نجاشی از جعفر (ع) خواست تا او نیز نظر خود را بیان کند.

جعفر (ع) پس از ادای احترام گفت: ای پادشاه، از این‌ها بپرسید که آیا ما بردگان فراری آنها هستیم؟ عمرو گفت: نه، اینان آزاد هستند. جعفر گفت: از اینان بپرسید: آیا دینی بر دمه ما دارند که نپرداخته‌ایم و اینک آن را از ما مطالبه می‌کنند؟ عمرو گفت: نه، ما هیچ‌گونه مطالبه‌ای از شما نداریم. جعفر پرسید: آیا خونی از شما ریخته‌ایم که آن را از ما می‌طلبید؟

عمرو گفت: نه چنین نیست. جعفر پرسید: پس از ما چه می‌خواهید؟ آیا غیر از این است که ما را در شهر خودآزار و شکنجه دادید و ما به خاطر خلاصی از اذیت شما از دیار خود بیرون آمدیم؟! عمرو عاص گفت: «ای پادشاه اینان از دین و آیین خود برگشته و خدایان ما را دشنام می‌دهند. و جوانان ما را فاسد کرده‌اند و در میان مردم تخم تفرقه پاشیده‌اند از شما می‌خواهیم که آنها را به ما بسپاری تا به محل خود بازگردانیم.»^{۳۳}

^{۳۲} - سام دلیری، بررسی جامعه شناختی عدم گسترش اسلام در مکه و شکوفا شدن آن در مدینه، ص ۸۴ و ص ۸۵؛ دو فصلنامه علوم اجتماعی سال نهم،

شماره پاییز و زمستان، ۱۳۹۱ ش

^{۳۳} . تفسیر القمی؛ ج ۱؛ ص ۱۷؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمه)، ص ۴۴

طبق نقل مورخان، نجاشی (حاکم وقت حبشه)، پس از مشاهده محاجّه و گفتمان منطقی جعفر بن ابیطالب (ع) با فرستاده کفار قریش در این جلسه، و استماع سایر سخنان وی در جلسه دیگر؛ مشرکان مکه را که با هدایایی نزد نجاشی آمده بودند تا مسلمانان را نپذیرد، از حبشه اخراج کرد و مسلمانان، تا سال ششم هجرت، با امنیت کامل در آن سرزمین زندگی کردند.^{۳۴} بدین ترتیب، نمایندگان قریش در اقدام خود ناکام ماندند.^{۳۵} ابوالحسن علی (۳۹۸ - ۴۶۸ ق) معروف به «واحدی نیشابوری» گوید: «نجاشی مسلمانان را حزب ابراهیم خطاب کرد و با بی‌اعتنایی به اعتراض فرستادگان قریش که خود را حزب ابراهیم دانستند، آنان را با هدایایشان بازگرداند. قرآن کریم در سوره آل عمران^{۳۶}، این جریان را برای رسول خدا (ص) حکایت کرد و بر ایمان و درستی عقیده جعفر و دیگر مهاجران گواهی داد».^{۳۷}

۶/۲ بازگویی بخشی از آورده‌های بنیادین بعثت نبوی

مفسران و محدثان آورده اند: پس از آنکه «عمرو عاص» (نماینده کفار قریش)، خطاب به «نجاشی» گفت: «فَرُدَّهُمْ إِلَيْنَا لِنَجْمَعَ أُمَّرَتَا؛ آن‌ها را به ما بازگردان تا به کار خودمان فیصله دهیم و تفرقه را از میان ببریم»؛ جعفر (ع) در خطاب به «نجاشی» چنین گفت: «إِيَّهَا الْمَلِكُ خَالَفْنَاهُمْ - بَأَنَّهُ بَعَثَ اللَّهُ فِينَا نَبِيًّا أَمَرَ بِخَلْعِ الْأَنْدَادِ، وَ تَرْكِ الْأَسْتِفْسَامِ بِالْأَزْلَامِ، وَ أَمَرَنَا بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ، وَ حَرَّمَ الظُّلْمَ وَ الْجَوْرَ، وَ سَفَكَ الدَّمَاءَ بِغَيْرِ حَقِّهَا وَ الزَّانَا وَ الرَّبَا وَ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمِ، وَ أَمَرَنَا بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَ إِيْتَاءِ ذِي الْقُرْبَى - وَ يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْيِ؛ «آری ای پادشاه! ما با آنها مخالفت ورزیدیم؛ زیرا پروردگار برای ما پیامبری فرستاد که ما را به ترک بتان و ترک بهره‌جویی از راه قمار و اقامه نماز و دادن زکات فرمان داد و ظلم و جور و ریختن خون به ناحق و زنا و ربا و مردارخواری و خون و گوشت خوک را بر ما حرام کرد و ما را به عدل و نیکی و احسان و کمک به خویشان دستور داد و از فحشا و منکر و ظلم و بی‌عدالتی نهی کرد».^{۳۸}

ناگفته پیداست: بازگویی بخشی از آموزه‌ها و آورده‌های بعثت نبوی، در جلسه‌ایکه غالب حاضران در آن، از سران و پیروان مذهب مسیحیت هستند؛ اقدام آسانی نبود؛ اما جعفر (ع)، با شهادتی سرشار از صداقت، اقدام به این امر مهم نمود؛ و با درایتی خاص، به تبلیغ از آموزه‌های بنیادین دین اسلام، و به بازگویی بخشی از دستورات دین اسلام پرداخت؛

۶/۳ قرائت آیاتی مناسب از قرآن کریم

طبق نقل برخی از مفسران؛ در ادامه جلسه، نجاشی از جعفر پرسید: آیا چیزی از آیاتی که بر پیامبر شما نازل شده است، را از حفظ داری؟ جعفر گفت: آری، سپس شروع به خواندن سوره مریم کرد^{۳۹}؛ تا قرائت جعفر (ع)

^{۳۴} امین، سید محسن، آعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۳.
^{۳۵} نک: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۵؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۷۲، ص ۱۲۱-۱۲۳؛ ابن جوزی، صفوه الصفوه، ج ۱، ص ۵۱۱-۵۱۸؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ص ۱۸۸-۱۹۴.

^{۳۶} «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا» وَ اللَّهُ وَ لِيُ الْمُؤْمِنِينَ؛ مسلماً نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم [از جهت پیوند و انتساب معنوی] کسانی‌اند که [از روی حقیقت] از او پیروی کردند، و این پیامبر و کسانی که [به او] ایمان آورده‌اند [از همه به او نزدیک‌ترند] و خدا یاور و سرپرست مؤمنان است» (آل عمران/ آیه ۴۸).

^{۳۷} واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، ص ۱۱۱.

^{۳۸} قمی، همان؛ طبرسی، همان. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۰۹.

^{۳۹} قمی همان، طبرسی، همان.

به آیه «وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ الْتَخْلُةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا»^{۴۰} رسید، نجاشی سخت گریست و گفت: به خدا سوگند، نشانه‌های حقیقت در این آیات نمایان است»^{۴۱}؛

نکته شایان توجه اینکه: طبق نقل مفسرانی همچون «علی بن ابراهیم قمی» (متوفای ۳۰۷ق) و «فضل بن حسن طبرسی» (۴۶۸ یا ۴۶۹ق - ۵۴۸ق) عمروعاص (نماینده کفار قیش)، پس از مشاهده این عکس العمل نیک نجاشی در قبال تلاوت آیه مذکور؛ مجدداً در جهت تکذیب مهاجران به حبشه (ع)، خطاب به نجاشی گفت: «أَيُّهَا الْمَلِكُ إِنَّ هَذَا مُخَالِفُنَا فَرَدَّهُ إِلَيْنَا»^{۴۲}؛ ای پادشاه، این (جمعیت) مخالف آیین ما هستند. ما از تو می‌خواهیم که آنها را بازگردانی. نجاشی دست خود را بلند کرد و آن را محکم به صورت عمرو نواخت، و گفت: خاموش، به خدا قسم، اگر بیش از این در مذمت این جمعیت سخن بگویی تو را مجازات خواهم کرد»^{۴۳}. طبق این نقل، در شیوه اقدام فرهنگی (و تبلیغ دینی) حضرت جعفر (ع)، تقدم نهی از منکر کاملاً مشهود است؛ به سخن دیگر: این شیوه کارآمد تبلیغی، حاکی از این است که ابتداء می‌بایست، مانع را از بین برد تا زمینه برای اثرگذاری مطلوب (؛ یعنی پذیرش آموزه های دینی) فراهم شود.

۶/۴) بازگویی شش شاخصه مهم و اساسی «جاهلیت اولی»

در آیات متعددی از قرآن کریم، شاهد کاربرد تعبیر ترکیبی «جاهلیت اولی»، هستیم^{۴۴}؛ در هریک از این آیات، به ویژگی خاصی همچون: گمان جاهلی^{۴۵}، حکم جاهلی^{۴۶}، خودنمایی جاهلی^{۴۷}، حمیت و عصبیت جاهلی^{۴۸} توجه داده شده است

به نظر می‌رسد قرآن کریم در پرتو آیات مورد اشاره؛ علاوه بر چهار ویژگی مردم دوران جاهلیت، به برخی از سنت‌ها و رسوم جاهلی نیز اشاره نموده و امت اسلامی را از آنها بر حذر داشته است؛ مانند: جابه جا کردن ماه‌های حرام، ربا خواری، استقسام به ازلام، ظهار به گونه‌ای که حرمت ابدی در پی داشته باشد، کشتن فرزندان از بیم فقر، زنده به گور کردن دختران، و فرزند خوانده را بسان فرزند واقعی دانستن.

^{۴۰}. مریم: ۲۵. «ای مریم، شاخه درخت خرما را نکانده، رطب تازه‌ای بر تو فرومی‌ریزد».

^{۴۱}. قمی همان، طبرسی، همان.

^{۴۲}. قمی، تفسیر القمی؛ ج ۱؛ ص ۱۷۸؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۴۴.

^{۴۳}. قمی همان، طبرسی، همان.

^{۴۴}. عنوان «جاهلیت» به مقطعی از تاریخ عرب (حدود دو قرن) پیش از ظهور اسلام و بعثت پیامبر (ص) که بت‌پرستی، جهل و خرافه‌گرایی از شاخصه‌های بارز آن به شمار می‌رود، اطلاق می‌گردد (نک: جمعی از پژوهشگران، زیر نظر هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۳، ص ۴۲). البته برخی معتقدند: «هر روزگاری که پیش اسلام بوده آنرا جاهلیت می‌گویند. (نک: ابوالفتوح

رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۴۱۶).

علامه طباطبایی (ره): علت این نام‌گذاری گوید: در زندگی عرب آن روز، تنها و تنها جهل حاکم بوده، نه علم و دانش، و در تمامی امورشان باطل و سفاکت بر آنان مسلط بود، نه حق و استدلال (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۵۲).

^{۴۵} - آل عمران / ۱۵۷

^{۴۶} - مائده / ۵۰

^{۴۷} - احزاب / آیه ۳۳

^{۴۸} - فتح / ۲۶

جعفر بن ابیطالب (ع) با آگاهی کامل از رسم مردم جاهلی؛ و با شناخت دقیق از بعد سازندگی آموزه های قران کریم و آورده های مکتب نبی اکرم (ص)، از فرصت پیش آمده، بهره کافی برد؛ و در بخشی از گفتمان خود با نجاشی، به ذکر شش شاخصه اصلی جاهلیت اولی پرداخت.

طبق نقل ابن الحدید، زمانی که جعفر بن ابی طالب با نجاشی سخن گفت؛ در بخشی از گفتارش به بیان شش شاخصه اصلی «جاهلیت اولی» پرداخت و چنین فرمود: «أَيُّهَا الْمَلِكُ إِنَّا كُنَّا قَوْمًا فِي جَاهِلِيَّةٍ نَعْبُدُ الْأَصْنَامَ وَ نَأْكُلُ الْمَيْتَةَ وَ نَأْتِي الْفَوَاحِشَ وَ نَقْطَعُ الْأَرْحَامَ وَ نَسِيءُ الْجَوَارِ وَ يَأْكُلُ الْقَوِيُّ مِنَ الضَّعِيفِ فَكُنَّا عَلَى ذَلِكَ حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْنَا رَسُولًا مِّنَّا نَعْرِفُ نَسَبَهُ وَ صَدَقَهُ وَ أَمَانَتَهُ وَ عَفَاةً فَدَعَانَا إِلَى اللَّهِ لِنُوحِدَهُ وَ نَعْبُدَهُ وَ نَخْلَعُ مَا كُنَّا عَلَيْهِ نَحْنُ وَ آبَاؤُنَا مِنْ دُونِهِ مِنَ الْحِجَارَةِ وَ الْأَوْثَانِ وَ أَمَرْنَا بِصَدَقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صَلَهِ الرَّحِمِ وَ حَسَنِ التَّجَاوُرِ وَ الْكَفِّ عَنِ الْمَحَارِمِ وَ الدَّمَاءِ وَ نَهَانَا عَنِ سَائِرِ الْفَوَاحِشِ وَ قَوْلِ الزُّورِ وَ أَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ وَ قَذْفِ الْمُحْصَنَةِ وَ أَمَرْنَا أَنْ نَعْبُدَ اللَّهَ لَا نَشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ بِالصَّلَاةِ وَ بِالزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ»^{۴۹}: «ای پادشاه همانا ما در جاهلیت، قومی بودیم که بت ها را می پرستیدیم و مردار می خوردیم و فواحش را انجام می دادیم، و قطع رحم می نمودیم، همسایگان را فراموش می کردیم، و قوی ما از ضعیف می خورد؛ و ما بر این روش بودیم تا خدای عزو جل بر ما رسولی از خودمان مبعوث نمود که نسب، صداقت، امانت داری و پای بندی به عفاف او را می شناسیم، و او ما را فراخواند تا خدای را یگانه دانسته و او را بپرستیم، و خویش را از آنچه ما و پدرانمان بر آن بودیم (از پرستش سنگ و بتان) رها سازیم، و به ما فرمان داد تا راستگویی در گفتار و اداء امانت و صله رحم و حسن همجواری را پیشه کنیم؛ و از ارتکاب محارم و خون ریزی و سایر فواحش و قول زور [باطل] و اکل مال یتیم و قذف محصنه نهی مان نمود؛ و به ما امر نمود که خدا را بپرستیم و به او چیزی را شریک نگیریم و به انجام نماز و زکات و روزه امرمان نمود.»^{۵۰}

نکته شایان ذکر اینکه: متاسفانه همین شاخصه های «جاهلیت اولی» و بلکه بدتر از آنها در وضعیت فعلی جوامع بشری، و در «جاهلیت مُدِرِن» نیز، در حال بروز و اجراء می باشد؛ امید آن می رود، این تحقیق، هم در بیان ملاک در عرصه موضوع یابی فساد و نمادهای جاهلیت در عصر حاضر، موفق بوده باشد؛ و هم در بعد ارائه راهکار، به یافته ای مطلوب و کاربردی از سیره حضرت جعفر طیار (ع) ارایه دست یافته باشد.

۷) شواهد حاکی از موفقیت جعفر بن ابیطالب (ع) در عرصه اقدامات فرهنگی

با تتبع در متون تاریخی، حدیثی، و تفسیری حاکی از اقدامات فرهنگی جعفر بن ابیطالب (ع) در طول سالهای حضور در حبشه (بویژه در دو سال اول)، به این حقیقت دست می یابیم که این صحابه نبوی، در طریق انجام این تلاشهای نیکش، موفق بوده است؛ و وجود محدودیت ها و عدم برخورداری از امکانات لازم، مانع از دست یابی او به نتایج مطلوب نشده است؛ از امور ذیل می توان شاهدی بردستی مدعا یاد نمود:

^{۴۹}. شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد / ج ۶ / ۳۰۹ .

^{۵۰}. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد / ج ۶ / ۳۰۹ .

۷/۱) خشنودی رسول خدا ص از بازگشت جعفر طیار (ع) از سفر حبشه و مجموعه

کارکردهایش

مضمون پاره ای از نقل های تاریخی و حدیثی این است که پیامبر (ص) به هنگام بازگشت جناب جعفر (ع) از حبشه، به استقبال او آمده است، و بین دو چشم او را بوسیده است و این جمله را نیز فرموده اند: «ما أدری بأیهما أنا أسرّ: بفتح خیبر، أم بقدم جعفر؟ ... نمی دانم به کدام یک از این دو خوشحالی کنم، به بازگشت جعفر یا به فتح خیبر ...»^{۵۱}

به موجب نقلی، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) سهمی از غنایم جنگ بدر را برای جعفر، که در آن زمان در حبشه بود، کنار گذاشت.^{۵۲} نیز به رغم عدم حضور جعفر و دیگر مهاجران به حبشه، در غزوه خیبر، سهمی از غنایم آن را بدانان اختصاص داد.^{۵۳}

۷/۲) گرایش نجاشی و جمعی از مسیحیون حبشه به اسلام

در گزارش بازگشت جعفر بن ابی طالب (ع) و همراهانش از حبشه به مدینه آورده اند: «علاوه بر مسلمانان، هشت نفر از شامیان که در میان آنها یک راهب مسیحی بود و تمایل شدید به اسلام پیدا کرده بودند، خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) رسیدند و آنان پس از شنیدن آیات سوره «یس» به گریه افتاده، و مسلمان شدند و گفتند: چقدر این آیات به تعلیمات راستین مسیح (علیه السلام) شباهت دارد».^{۵۴}

طبق روایتی که در «تفسیر المنار» از «سعید بن جبیر» نقل شده: «نجاشی» سی نفر از بهترین یاران خود را به عنوان اظهار علاقه به پیامبر (صلی الله علیه وآله) و آئین اسلام به «مدینه» فرستاد، و همان ها بودند که با شنیدن آیات سوره «یس» گریستند و اسلام را پذیرفتند. آیات ۸۲ تا ۸۶ سوره «مائده» نازل شد و از این مؤمنان تجلیل کرد.^{۵۵} ز اهمیت می داده و به موفقیت هایی دست یافته بود.

۸) نتایج تحقیق

اقدامات فرهنگی شایسته جعفر بن ابیطالب (ع) در در دو سال اول حضور در حبشه؛ حاکی از این است که در سیره این صحابه نیک نبوی، دین مداری، و جهاد تبیین، امری ضروری محسوب می شده؛ زیرا در غیر این صورت، نه هجرت به حبشه اتفاق می افتاد، و نه محاجه با نماینده قریش در مجلس نجاشی، و نه بازگویی آورده های بنیادین بعثت نبوی، و نه برشمردن شاخصه های جاهلیت اولی و تلاوت آیات مناسب با فضای مجلس نجاشی؛

^{۵۱} طبرسی، مکارم الأخلاق، ص: ۲۶۱؛ طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - الحدیث)، ج ۱، ص ۲۱۰؛ إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القدیمة)، النص، ص ۱۰۱؛ طبری آملی صغیر، دلائل الإمامة (ط - الحدیث)، ص ۱۲؛ ابن هشام، عبدالملک، السیرة النبویه، ج ۳، ص ۸۱۸؛ ۶۴؛ ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۶-۲۵؛ ۶۵۷؛ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۹۸.

^{۵۲} ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۲۱۶.

^{۵۳} ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۶؛ بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ص ۳۸؛

^{۵۴} امامی، شان نزول آیات قرآن (برگرفته از تفسیر نمونه)، ص ۱۹۹

^{۵۵} همان.

در عصر حاضر نیز می توان با الگو گیری از منش و رفتار حضرت ذو جناحین، در برابر شبیخون فرهنگی دشمن برخاستگاه ولایت پذیری و تکلیف مداری، موضعگیری مناسب نمود و به دفع فساد و هجمه های فرهنگی پرداخت.

نتایج حاصل شده از این تحقیق، حاکی از گزاره های زیر است:

۱- خاستگاه تکلیف مداری در شخصیت جعفر طیار، نمادی از ولایت مداری او نسبت به نبی اسلام (ص) بود.
۲- ساحت تکلیف مداری در اقدام فرهنگی حضرت جعفر طیار در حبشه، معلول توجه وی به فریضه امر به معروف و نهی از منکر بوده است

۳- در جهت اثبات موفقیت جعفر بن ابیطالب (ع) در عرصه تبلیغ گفتاری و عملی از اسلام، می توان از اموری همچون: گرایش نجاشی و جمعی از مسیحیون حبشه به اسلام، و نیز اظهار رضایت و خشنودی نبی اکرم (ص) به هنگام استقبال از او، و... یاد نمود.

۵- ولایت پذیری و تکلیف مداری در منش و رفتار حضرت جعفر (ع)، می تواند الگویی برای اقدامات فرهنگی مجموعه های متدینین در دوره کنونی باشد.

۹. پیشنهاد:

با توجه به محدودیت های این پژوهش، امکان پرداختن به مجموعه اقدامات نیک جعفر بن ابیطالب (ع) و همراهانش در بازه زمانی حضورشان در حبشه (سال پنجم بعثت تا ششم هجرت) نبوده است؛ بدین جهت پیشنهاد می شود: شایسته این است: محققان ارجمند، با انجام تبیی مناسب در متون تاریخی و غیره، به شناسایی مجموعه اقدامات بویژه اقدامات فرهنگی جعفر بن ابیطالب (ع) و همراهانش در طول حضورشان در حبشه به پردازند؛ و به رفع این کاستی و خلأ تحقیقی به پردازند.

۱۰) فهرست منابع

الف. منابع عربی

- قرآن کریم/ ترجمه مکارم شیرازی؛ تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ایران، ۱۳۸۰ ش.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید، شرح نهج البلاغة، محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ایران، قم، ۱۴۰۴ق، اول.
 ۲. ابن اثیر، عز الدین، علی بن محمد، اسد الغابة، لبنان - بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ ق یا ۱۹۸۹م، بی جا.
 ۳. _____، الكامل في التاريخ، لبنان، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق، اول.
 ۴. ابن اسحاق، محمد بن اسحاق، السیر و المعاری، تحقیق دکتر سهیل زکار، قم، دارالفکر دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی بی تا، بی جا.
 ۵. ابن بطریق، یحیی، عمدة عیون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق، بی جا.
 ۶. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، صفة الصفة، حلب، چاپ محمود فاخوری و محمدراس قلعهجی، ۱۳۸۹ق، بی جا.
 ۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الإصابة في تمييز الصحابة، لبنان، بیروت، دار الکتب العربی، بی تا، بی جا.

٨. ابن حيون مغربي، نعمان بن محمد، تحقيق: سيد محمد حسيني جلالى، شرح الاخبار فى فضائل الائمة الاطهار، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه، ١٣٩٥ ش، دوم.
٩. ابن سعد كاتب واقدي، محمد بن سعد، تحقيق، عطا، محمد عبد القادر، الطبقات الكبرى، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق، اول.
١٠. ابن عبد البر، أبو عمر يوسف بن عبد الله النمري القرطبي، الاستيعاب فى معرفة الأصحاب، لبنان - بيروت، دار الجيل، ١٤١٢ق، اول.
١١. ابن عساکر، أبو القاسم على بن حسن بن هبة الله شافعى دمشقى، تاريخ مدينة دمشق، بيروت، چاپ على شيرى، ١٤٢١ق، بی چا.
١٢. ابن عنبه، احمد بن على بن حسين حسيني، عمدة الطالب فى أنساب آل أبي طالب، عراق، النجف، المطبعة الحيدرية، ١٣٨٠ق، بی چا.
١٣. ابن فندق البيهقي، أبو الحسن ظهير الدين علي بن زيد، لباب الأنساب والألقاب والأعقاب، تحقيق: مهدي رجائي، قم، مكتبة آية الله المرعشي، ١٣٨٥ هـ، بی چا.
١٤. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، لبنان، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ هـ، ق، سوم.
١٥. ابن هشام حميرى، عبدالملك، السيرة النبوية، مصر، قاهره، مدنى، ١٣٨٣ق، بی چا.
١٦. إصفهاني، ابو الفرج، على بن الحسين، محقق، صقر، سيد احمد، مقاتل الطالبين، لبنان، بيروت، دار المعرفة، بی تا، بی چا.
١٧. _____، مقاتل الطالبين، عراق، نجف، المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق، بی چا.
١٨. الأمانة الخاصة لمزار السيد أحمد بن جعفر الطيار (ع) تقوم بأعمال صيانة وترميم؛ بايگانی شده در ٢٠٢٠-١٠-٢٣ توسط Wayback Machine.
١٩. امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، دار التعارف، لبنان، بيروت - لبنان، ١٤٠٣ ق، بی چا.
٢٠. _____، تحقيق: سيد حسن امين، لبنان، دار التعارف للمطبوعات، بيروت، ١٤٠٦ق-١٩٨٦م، بی چا.
٢١. بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزيل فى التفسير و التاويل (تفسير البغوى)، به كوشش خالد عبدالرحمن العك و مروان سوار، بيروت، دار المعرفة، ١٤٠٧ق، بی چا.
٢٢. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق سهيل صادق زكار و رياض زرکلى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧ق، بی چا.
٢٣. _____، فتوح البلدان، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ١٩٨٨م، بی چا.
٢٤. بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، دار الكتب العلمية، لبنان، بيروت، ١٤٢٤ق، سوم.
٢٥. حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ - ١٩٩٠، الطبعة: الأولى.
٢٦. حُرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ٣٠ جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، (١٤٠٩ هـ ق)
٢٧. ذهبى، محمد بن احمد، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، السيرة النبوية، بيروت، ١٩٨٩/١٤٠٩، بيروت - لبنان، دار الكتاب العربي، بی چا.
٢٨. ذهبى، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد، سير أعلام النبلاء، المحقق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط، بی چا، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م، سوم.
٢٩. راغب أصفهاني، حسين بن محمد، المفردات فى غريب القرآن؛ قم، دفتر نشر الكتاب، ١٤٠٤ق، دوم.
٣٠. صالح، صبحى ابراهيم، نهج البلاغة، قم، مركز البحوث الاسلاميه، ١٣٧٤ش، بی چا.
٣١. صدوق، محمد بن على، علل الشرايع، ايران، قم، مكتبة الداوري المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥ق
٣٢. _____، الخصال، انتشارات جامعه مدرسين قم، ايران، قم، ١٣٦٣ هـ ش، چاپ دوم.

۳۳. من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ هـ ق، دوم.
۳۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ایران، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق، پنجم.
۳۵. طبرسی، أبو علی فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، ایران، تهران، دار الکتب الإسلامية، ایران، بی تا، بی جا.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، محقق: سیدحبيب الله موسوی، ۱۳۸۶، قم، انتشارات حبيب، دوم.
۳۷. طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوك، لبنان، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۳ ق، بی جا.
۳۸. تاریخ طبری، لبنان، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۳ ق
۳۹. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ ق، اول.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم، دارالتقافه، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین؛ تحقیق: فرجی، مجتبی، و مجیدی، غلامحسین، قم، دلیل ما، ۱۳۸۱ ق، اول.
۴۲. فروخ، عمر، تاریخ الجاهلیه، لبنان، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۴ م، اول.
۴۳. قرطبی محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش، اول.
۴۴. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار و مدینه الحكم و الآثار، تهران، دارالأسوه، ۱۴۱۴ ق، اول.
۴۵. قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر قمی، ایران، قم، دار الکتب، ۱۳۶۷ ش، چهارم.
۴۶. الکریاسی، محمد صادق بن محمد، الهاشمیون - معجم أنصار الحسين، دائرة المعارف الحسينية، مكتبة الإمام الحسين الخاصة - لندن، مركز الحسيني للدراسات - لندن، ۲۰۰۸ م
۴۷. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ ق، چهارم.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، لبنان، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ هـ ق، دوم.
۴۹. مغربی، نعمان بن محمد، شرح الأخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ ق، بی جا.
۵۰. مقریزی، احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبي من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، محقق: نمیسی، محمد عبدالحمید، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۰ ق یا ۱۹۹۹ م، اول
۵۱. واحدی، علی بن احمد، اسباب النزول، به کوشش کمال بسیونی زغول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق، بی جا.
۵۲. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، منهج البراعة فی شرح نهج البلاغة؛ محقق / مصحح: میانجی، ابراهیم، تهران، مكتبة الإسلامية، ۱۴۰۰ ق، چهارم.

ب. منابع فارسی

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق، یاققی، محمد جعفر، ناصح، محمد مهدی، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ایران، مشهد، ۱۴۰۸ ق.
۲. امامی، محمد جعفر، شأن نزول آیات قرآن (برگرفته از تفسیر نمونه)، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، اول.
۳. انوری، حسن، و: اخيانی، جمیله، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، اول، ۱۳۸۱ هـ ش
۴. جمعی از پژوهشگران، زیر نظر: هاشمی شاهرودی، سید محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۲۶ ق، اول.

۵. خامنه ای، حسینی، سیدعلی، **بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا**، ۲۲/۰۴/۱۳۷۱؛ لینک ثابت: <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2247#14483>
۶. خامنه ای، حسینی، سیدعلی، **در دیدار با فرماندهان و مسئولان سازمان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی**، ۱۱ / ۲ / ۱۳۷۰.
۷. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، تهران، موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش، دوم.
۸. سام دلیری، کاظم، **بررسی جامعه شناختی عدم گسترش اسلام در مکه و شکوفا شدن آن در مدینه**، ص ۸۴ و ص ۸۵؛ دو فصلنامه علوم اجتماعی سال نهم، شماره پاییز و زمستان، ۱۳۹۱ش
۹. سامانی، سیدمحمود؛ و خامه‌یار، احمد؛ مقاله **«جعفر بن ابی‌طالب» (علیه‌السلام)**، دانشنامه حج و حرمین شریفین النهایة فی غریب الحدیث الاثر
۱۰. صاحبی، محمدجواد، **مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات)**، نشر و طبع، ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۱۱. محمدی اشتهاردی، محمد، کتاب **«زندگی پر افتخار حمزه و جعفر» (علیهما السلام)**، مشهد، به نشر، ۱۴۰۰ش، سوم.
۱۲. مرکز تحقیقات اسلامی حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، **سرداران صدر اسلام**، مرکز چاپ سپاه، ایران، تهران، ۱۳۷۷، اول.
۱۳. ملکی اصفهانی، مجتبی، **فرهنگ اصطلاحات اصول**، قم، بی نا، ۱۳۷۹ش، اول.
۱۴. منصوری، سیدامیر، **گردشگری فرهنگ**، با تکیه بر تفاوت مفهومی «فرهنگ» و «فرهنگی»، مجله گردشگری فرهنگ، ۱(۱)، ۵-۸ / تابستان ۱۳۹۹ش.
۱۵. ولایی، عیسی، **فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول**، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷ش، ششم.
۱۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، **فرهنگ قرآن**، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ایران، قم، ۱۳۷۹ش، بی جا.